

حضور رسول خدا(ص) در صحنه کربلا (از منابع معتبر تاریخ و حدیث)

1394-8-5

بیش از 1300 سال است که امت رسول خدا(ص) به تأسی از رسول خدا(ص) در سوگ امام حسین(ع) عزاداری می کنند و به زیارت قبر مطهر او می روند. درباره این که رسول خدا(ص) به عنوان اولین نفر در این امت، با یاد مصیبت سیدالشهداء(ع) برای او گریسته و عزاداری کرده، تردید وجود ندارد، ولی مطلب بالاتر، این جاست که رسول خدا(ص) در روز عاشورا در کربلا حضور داشته و شاهد تمام آن جنایت ها بوده است؛ لذا برادران اهل سنت نیز باید بدانند که با عزاداری و زیارت قبر شریف امام حسین(ع)، به سنت پیامبر(ص) عمل می کنند و سخن افراد نادانی چون بزرگان وهابیت که دین خود را به دنیا فروخته اند، و درصدد تغییر ارزش های جوامع اسلامی هستند تا بدعت های خود را به نام سنت مطرح کنند، ارزشی ندارد و مغایر با سنت پیامبر(ص) است.

در این جا با ذکر چند روایت از منابع معتبر تاریخ و حدیث، به حضور رسول خدا(ص) در صحنه کربلا و عزادار بودن ایشان برای سیدالشهداء(ع) اشاره می کنیم تا بطلان عقائد فرقه ضالّه وهابیت بیش از پیش بر همگان روشن شود:

1. احمد بن حنبل، پیشوای فرقه حنبلی، با دو سند صحیح از عمّار بن أبی عمّار نقل کرده است که ابن عباس، پسرعموی پیامبر(ص) گفت: «پیامبر(ص) را در خواب نیم روز دیدم که ژولیده و غبارآلود ایستاده بود و در دستش شیشه ای پر از خون بود. عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت ای رسول خدا، این چیست؟ فرمود: این، خون حسین و یاران اوست که پیوسته امروز مشغول جمع کردن آن هستم. عمّار گوید: آن روز را به خاطر سپردیم و دریافتیم که امام حسین(ع) در آن روز کشته شده است(1).»

- این روایت را ابن سعد، عبد بن حمید، طبرانی، حاکم نیشابوری، ابن عساکر و بسیاری از بزرگان اهل سنت نیز نقل کرده اند.

2. محمد بن عیسی ترمذی و محمد بن اسماعیل بخاری، نویسندگان صحیح بخاری، با ذکر سند از «سَلَمَی بنت سعد» نقل کرده اند که گفت: «نزد ام سلمه، همسر پیامبر(ص) رفتم و دیدم گریه می کند. عرض کردم: چرا گریه می کنید؟ گفت: رسول خدا(ص) را در خواب دیدم و سر و روی ایشان خاک آلود بود. پرسیدم: یا رسول الله! شما را چه شده است؟ فرمود: هم اکنون شاهد قتل حسین بودم(2).»

3. ابن اعثم کوفی در حوادث عصر تاسوعا نقل کرده است: «امام حسین(ع) نشسته و سر به زانو، در خواب رفته بود. خواهرش زینب کبری(ع) که همه سپاه دشمن را شنید، نزد برادر آمده و عرض کرد: برادر جان! آیا صدای سپاه دشمن را نمی شنوی که به ما نزدیک می شود؟ امام(ع) سر برداشت و فرمود: خواهر جان! اینک جدم رسول خدا و پدرم علی و مادرم فاطمه و برادرم حسن را در خواب دیدم که به من فرمودند: ای

حسین! تو به زودی نزد ما خواهی آمد. خواهر جان! به خدا سوگند که وقت آن فرا رسیده است و شکی در آن نیست.»

- موفق بن احمد مکی همان خطیب خوارزمی نیز این مطلب را ذکر کرده است.

- محمد بن جریر طبری نیز با اندکی تفاوت، همین مطلب را نقل کرده است. (3)

4. ابن اعثم کوفی در حوادث صبح عاشورا نقل کرده است: «چون هنگام سحر عاشورا فرا رسید، خوابی سبک، امام (ع) را ربود. سپس بیدار شد و فرمود: آیا می دانید هم اینک چه خوابی دیدم؟ پرسیدند: ای فرزند دخت پیامبر (ص)، چه دیدی؟ فرمود: سگ هایی را دیدم که بر من حمله ور شده اند و مرا پاره پاره می کنند و در میان آن ها سگی سیاه و سفید بود که بیشتر بر من می تاخت و گمان می کنم آن کسی که مرا خواهد کشت، مردی پیسی گرفته از این قوم باشد. سپس جدم رسول خدا (ص) را که جمعی از یارانش همراه او بودند، دیدم که به من می فرمود: پسر من! تو شهید آل محمد هستی، اینک اهل آسمان ها و اهل عالم برتر، مژده آمدنت را به یکدیگر می دهند، امشب افطار نزد من باش، بشتاب و تأخیر مکن؛ و اینک فرشته ای از آسمان فرود آمده تا خون تو را در شیشه سبز رنگی قرار دهد. این است آنچه دیده ام، و امر (الهی) در حال آمدن است و رفتن از این دنیا نزدیک شده و هیچ تردیدی در آن نیست.»

- خطیب خوارزمی نیز این ماجرا را نقل کرده است. (4)

5. ابوالفرج اصفهانی با ذکر سند از سعید بن ثابت نقل کرده است: «زمانی که علی اکبر (ع) به میدان رفت، امام حسین (ع) چشمانش را به زیر افکند و گریست و فرمود: خدایا! تو بر علیه اینان گواه باش؛ اکنون جوانی به نبردشان می رود که شبیه ترین مردم به رسول الله (ص) است. آن جوان پیوسته بر دشمن حمله می کرد و در خلال حملات خود به نزد پدر باز گشته و عرض کرد: پدر جان! تشنه ام. امام حسین (ع) فرمود: عزیزم صبور باش که قبل از فرا رسیدن شب، رسول خدا (ص) با جام خویش تو را سیراب خواهد کرد؛ و دوباره شروع به حملات پی در پی کرد تا این که تیری آمد و گلولیش را شکافت و در خون خود غلتید. سپس فریاد زد: پدر جان! سلام بر تو باد. این جدم رسول خداست که تو را سلام می رساند و می فرماید: به سوی ما بشتاب؛ و سپس جان سپرد.»

- خطیب خوارزمی نیز این ماجرا را مفصّل تر نقل کرده است. (5)

6. ابن عساکر دمشقی با سند صحیح از علی بن زید بن جُدعان روایت کرده است: «ابن عباس از خواب بیدار شد و اِنَّا لِلّٰهِ و اِنَّا اِلَيْهِ راجعون گفته و سپس گفت: به خدا سوگند که حسین (ع) کشته شد. همراهانش گفتند: امکان ندارد ای پسر عباس. ابن عباس گفت: رسول خدا (ص) را دیدم که شیشه ای از خون همراه داشت و فرمود: آیا نمی دانی که امتم پس از من چه کرد؟ پسر من حسین را کشتند، و این خون او و خون یاران اوست که به سوی خداوند بالا می برم. راوی گوید: آن روز و آن ساعتی که ابن عباس، این سخن را گفته بود، نوشتند و 24 روز بعد، در مدینه خبر به ایشان رسید که امام در همان روز و همان ساعت کشته شده است. (6)

البته باید توجه داشت، درست است که تعدادی از این موارد در خواب دیده شده است، ولی علاوه بر شیعیان، بزرگان اهل سنت نیز با روایات صحیح از پیامبر (ص) نقل کرده اند که فرمود: «هر کس مرا در خواب ببیند، خود مرا دیده است؛ زیرا شیطان به شکل من در نمی آید (7)». »

پی نوشت

1. مُسند احمد بن حنبل ج 1 ص 283 و 242.
2. جامع ترمذی ج 2 ص 960 ح 3771 - التاريخ الكبير ج 3 ص 276 ترجمه « رزین بیاع الأنماط. »
3. الفتوح ج 5 ص 97 - مقتل الخوارزمی ج 1 ص 353 - تاریخ طبری ج 5 ص 416.
4. الفتوح ج 5 ص 99 - مقتل الخوارزمی ج 1 ص 356.
5. مقاتل الطالبیین ص 115 - مقتل الخوارزمی ج 2 ص 34.
6. تاریخ دمشق ج 14 ص 237.
7. صحیح بخاری ج 3 ص 1415، باب من رأى النبى فى المنام - صحیح مسلم ج 15 ص 24.